

# تہ نہ می نویسم

## آموزش نگارش گویش لری خرم آبادی به خط لور

ابراهیم خدایی

با همکاری شورای نویسندگان نشریه لور

1389

:: دنیا گفتر ده ونه آ که سی زون و یون ایما جا ناشتوه

:: ویرمو با فارسی نوشتنه ده چن سال واموختیم،

ایسه سی آموختن لری یه هفته (روزی یه سات، روزی یه درس) بسه

### فهرس

درس یک: فاتحه

درس دو: ملک دوس

درس سه: تکبیت یا میرنوروز

درس چهار: گرگ ها ده سیله، سیله ها ده گله

درس پنج: یوسف موه وزیر مصر

درس شش: دایه دایه

درس هفت: سوره شمس

## ❖ درس یک

### سوره فاتحه

نوم خداکه شهجون و دلنرم

شکر سی خدا پرورنده هردک ولاتیا «1» شهجون و دلنرم «2» صحاؤ رۇز حساؤ «3» هئ تهنه مئ پرسنئیم و هئ ده تهنه حاس مئ کئیم «4» وه یور خئر رنمونئ مو گو «5» یور ونونئ که وه شو رۇزیک دئ «6» نه ونونئ که ده شو توریسی و نه ده ره درآمایه یا «7»

«خدا گپ و بالاسر هئ وه راسه»

### آشنایی با نویسه‌های ویژه در خط لور

خواندن متون با خط لور برای کسانی که با خط فارسی آشنایی دارند نیازی به آموزش ندارد، اما نوشتن با این خط و نیز «دقیق خواندن» آن نیاز به آشنایی با چندین نویسه و آگاهی از چند قاعده دارد.

:: خط لور افزون بر نویسه‌های فارسی (عربی) هفت علامت متفاوت دارد که در این درس با چهار علامت آن آشنا می‌شویم:

واو ششدار: و ←	کؤگ ←	کبک (مثال بیشتر: شوگار(شبانگاه)، نوکوم(ناگهان))
واو یکدار: و ←	توز ←	گرد و خاک (مثال بیشتر: کؤلاژدم(کژدم)، روارؤ(دمادم و پیوسته))
یای ششدار: ئ ←	سئ ←	سیاه (مثال بیشتر: ایواره(غروب)، لیوه(دیوانه))
یام دونخته: ل ←	کلیک ←	انگشت (مثال بیشتر: یور(راه)، گیلاره(مردمک چشم))

افزون بر این چهار علامت، سه نویسه دیگر (کرسی- گاف نخته‌دار «گ» - و ضمه لری) هم در خط لور وجود دارد که در درس‌های آینده با آن آشنا خواهیم شد.

:: در جای خالی معادل لری مناسب برای واژگان فارسی بنویسید:

واو ششدار:	تَب: .....	ابر: .....	زبر: .....	مشورت: شوُر
واو یکدار:	داخل: .....	آنگاه: اوسه	قدرت: .....	پرنمک: .....
یای ششدار:	شوهر: .....	نیست: .....	هست: هی	این: .....
لام دوخته:	خرابه: کَل	شاخه: .....	لرستان: .....	بدن: .....

چند نکته درباره واو و یای ششدار

**الف)** اگر حرف قبل از یای ششدار (ئ) کسره داشته باشد بدان «یای ششدار کسره‌دار» گفته می‌شود، تفاوت آن با یای ششدار این است که صدای «ئ» به طور کامل ادا نمی‌شود و بیشتر صدای کسره به گویش می‌آید، به مقایسه زیر توجه کنید:

یای ششدار: نی (نیست)، سی (سیاه)، ایل، پیچ، شیر (شیر جنگل)

یای ششدار کسره‌دار: نی (ساز نی)، سی (مخفف سیل: نگاه)، کی (چه وقت؟)، سی (سیر و سیاحت)

**ب)** یای ششدار هرگز پیش از الف نوشته نمی‌شود سیا (سیاه، غلط: سیئا)، پیا (مرد، غلط: پیئا)،

**ج)** واو ششدار هرگاه پس از الف نوشته شود صدای آن متفاوت می‌شود، به مقایسه زیر بنگرید:

← تو، اُور، زور

← کتاو، آوباری، عذاو

## ❖ درس دو

### مُلک دُوس

بیرم کَشکُول وُ پُوسم  
رؤم تا ملک دُوسم  
هف سال چی یه رُوز بُونم  
خاک پاشه بُوسم

میءِ حا رُوم وه پابُوس  
جونم بکم سیقَه دُوس  
دُورش بگردم بُونم  
چی پروانه دُور فانُوس

عهدئ بستم وا یارم  
وا یار وفادارم  
تا جُو دارم ده سینه  
دل وه کس نسیپارم

دلئ دارم چی دریا  
پُره ده آؤ وفا  
کئئ موه دُوسم بینم  
آرم با مۇج جفا

أو سیئلی چش مسش  
کردم اسیر دسش  
چی مرغئ که پر بسته  
افتامه ده قفسش

### :: انواع واو

الف) واو ششدار: در درس پیش آشنا شدیم: کؤگ، اؤر، کتاؤ، چناؤه (چونه، فک)

ب) واو یکدار: در درس پیش آشنا شدیم: اؤسه، زور، رُوزیک (رزق و روزی)، لیمور (لیمو)

ج) واو زینت (ناخوانا): هرگاه پیش از واو ضمه (ُ) آمده باشد، واو تلفظ نمی‌شود: نُو (نان)، لیرسو (لرستان)، قؤمُو (اقوام)

د) واو وی (V): هرگاه واو جز سه دسته فوق نباشد، یعنی یک (ُ) و شش (ء) روی آن نباشد و حرف قبلی آن هم ضمه (ُ)

نداشته باشد معادل حرف (V) انگلیسی است: ایواره، خوریار (خبرنگار)، وادار (مجبور)، ورزشت (ورزش)

## :: انواع یا

- الف) یای معمولی: همان یای فارسی است در کلماتی مثل : سی (برای)، شیر (شیر خوردن)، میشک (موش)  
ب) یای ششدار: در درس پیش آشنا شدیم، همانند: سی (رنگ سیاه)، شیئر (سلطان جنگل)  
ج) یای ششدار کسره‌دار: در درس پیش آشنا شدیم: سی (نگاه، مخفف سیل)، سیل، سیل (علاقه)

← انواع (و) و (ی) را در ابیات زیر مشخص کنید:

- « نه هیسی تا بؤم هیست، نه نیسی تا بؤم نیست  
نه ترمی بیرمت وا شو، نه می‌میری نه داری جو  
واو ششدار: .....  
واو وی: .....  
واو زینت: .....  
یای ششدار: .....  
یای معمولی: .....»

- « دوس یاکم بار کردنه کس نی ده جاشو  
حا رؤم زار بزئم ده مالگه‌باشو  
واو ششدار: .....  
واو یکدار: .....  
واو زینت: .....  
یای معمولی: .....  
یای ششدار: .....»

## :: انواع ضمه

- الف) ضمه فارسی (معمولی): کُر (پسر)، نُو (نان)، شوم (شام)،  
ب) ضمه لری: یِر، تَر (مسیر)، نَه (عدد 9)، شَم (شخم)، کَه (کوه)

← انواع ضمه را در بیت زیر مشخص کنید:

- « صَه سحر ده شوق تَه خُروس مه‌حونه  
اِئل وه بار وا مِئل مالگهت اِئل می‌رونه  
ضمه فارسی: .....  
ضمه لری: .....»

## تک بیت یا میرنوروز

ایمرو زه وه قدم سرو خرامو  
 ایمرؤ سی چشیات شیت بیمه لیوه  
 ای دوسای ار مه مردم سیم نگرئوی  
 ای دلای سی دهیلرو هی میزنی زار  
 بیمی وه کموترکه گرمسیری  
 بارونای نمم بوار برفای نیر پا  
 حکیمونای درد مه خیلی گرونه  
 دخترای وئ ره میری سیل وا دما گو  
 دلکم بی مونسه نساار الون  
 دینکم ده گردنت چی سنگ ده او رو  
 چی انار گل دار، خوم سیت هلاکم

ازگلی ون ده کلم میزش وه دامو  
 کس ندارم دی مگو سیم بگریوه  
 سخون یام ده قورسو سیت میکنن دی  
 یه تن و یه دهیلرو یه دیدن یار  
 دؤر دنیان بزمی سی وصل شیری  
 دؤسکم ده سفره او پر دنیا  
 داری درد دلم ده دهیلرونه  
 یه بؤسه ده چشیات خیر خدا گو  
 برف کهنهش وه جا بی، نو ده سرش ون  
 هر که حاستت رو بحاش ار کافرئ بو  
 نه دسم وت بر کنه نه چوگلاکم

## :: کرسی در پایان کلمه

کرسی عبارت از نویسه‌ای فاقد صدای از پیش تعیین شده است که برای حمل حرکات فتحه (َ)، کسره (ِ) و ضمه فارسی (ُ) یا لری (ُ) استفاده می‌شود.

**کرسی در پایان کلمات (ه، و، ی):** حرکات فتحه، کسره و ضمه لری در پایان کلمات روی کرسی نوشته می‌شود:

مالگه، خنه، آماده، روله، دشمن، گته، مه، ته، که، صه

اما ضمه فارسی در آخر کلمات هرگز بر کرسی نوشته نمی‌شود و چنانکه در درس پیش دیدم، به جای کرسی واو زینت می‌آید: نُو (نان)، لیرسو (لرستان)، قوُمُو (اقوام) (در صورت تمایل می‌توان این ضمه را به نگارش نیاورد و در واقع واو زینت را جانشین ضمه تصور کرد: نو، لیرسو، قوُمو، اما در وسط کلمه بهتر است همواره ضمه ذکر شود تا با انواع دیگر واو – مخصوصا واو معمولی یا واو V- اشتباه نشود: خوم، طوم)

## :: کسره مفعولی، کسره مصدرساز و کسره اضافه

کسره پایان کلمات در لری معمولاً یکی از سه کارکرد فوق را دارد، کسره اضافه (درست مثل فارسی میان مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت می‌آید) روی کرسی نمی‌نشیند: سیفِ سرخِ سرتلی  
کسره مفعولی: پیلهِ دشِ گرت - درسهِ یادِ گرتمه - کتاؤهِ حنمه  
کسره مصدرساز: گتته، بُرده، نشسه

← در بیت زیر کسره اضافه را مشخص کنید (پنج مورد وجود دارد) و دقت کنید که روی کرسی نوشته نشده است:  
«أو سیلِ چشِ مسش      کردم اسیرِ دسش

← در بیت زیر کسره اضافه (یک مورد) و کسره مفعولی (دو مورد) را مشخص کنید و دقت کنید کسره مفعولی بر کرسی نوشته می‌شود:  
«قلایانه بگردیتِ چینه وه چینه      یشِ کمه ورداریتِ کافرِ نوینه

## گرگ ها ده سیله ، سیله ها ده گله

تاته روا دم وه کول سر وا نهایی رزق و رزیک می گشت، تیش افتا وه آیمیزادی، آیمیزا پوستان خوی ده ورش بی، درآورد نیاش ری بردی رت وه مین جنگل رف حاجتی بکه، روا گت خو پوستانیه، ورداشتش و گرخت! رت و رت و رت تا یه که نوحلمونه گرگی ده مین رهش سوز بی.

گرگ سلامی وه تاته روا کرد و پرسی:

ای تاته! پوستان خوی ده ورته، مارکت با. تونی یفشه سیم بدوزی؟ ای کارن بکی هر فرماشتی داشتویی ری چشم هام ده خدمت.

روا وا خوش گت: آها..خو هالوی گیر آوردم، سرش شیره بمالم و چن روزی خورد و خوراک خوی سی خوم و بچون کم جور کنم. ایسه که بخت و اقبالم ده قبل ای پوستان بیار بیه منم دش استفاده می کم. روا بادئ وه غبغ ون و گت: نه برارزا! ده مه دیه گذشته، جو سی حلاجی و پوستان دوزی نارم و می حام ای آخر عمری روم سیکی بشینم، عبادت خدانه بکم، بلکم خدا ده سر تقصیراتم بگذره.

گرگ که چشمش وه دم پوستان که بی گت:

تنه اروای خاک مرحوم بوته، بیا و دلم نشکه، یه دونه سیم بدوز، اوسه رو هر کاری دلته بگو، آخه تاته ار دلم بشکنی هنی هم گنا کردیه!

روا پوستانه ده ای شونش ری او شونش ون، رت ری بردی نشس و گت:

منه وه ویر بوهم ونی، ناونی او مرحوم چنی پوستان خو می دوخت، مه اگه لیک و لیک می کم شاگرد دس چهلم او هم نموم. ایسه که قسمم دیی وه خاک او مرحوم، ری چشم.

اما برارزا دردت وه جونم پوستان دوزی ایقه هم آسو نی که فکر می کی کیلی مواد یازم داره.

گرگ که پرسی: چه موادی می حه؟

روا گت: کُلك و پشم چهلی بره!

گرگ ده ای حرف تاته روا بشکنی زه، دوز خوش چرخ زه و گت:

چهلی بره چاق و چله / سیت می آرم گله گله / نوش جونت گوشت همه / بیشر یارم چهلی تا کمه / ته جو بجا کیه که نیه فقط ته بو واده کیه؟

روا هم پوستان که ده ری گردهش کشس و وا خوشالی گت:

هر دو روزی یه دونه / گوشتش خوراک شومونه / پوشش می کم همونه / تا پوستان در نمونه / رو زیتری شرو گو / پشت وه دم و درو گو / درو خوش خدا نی / ایمر و ده صه جگا نی / دیه رو ته وه سلامت / نیی وه دوس یات علامت / بین خومو بمونه / یه نوم و یه نشونه / واده مو یونه عاموت / (باؤه لیوهت در سوت)

گرگ نشونی یونه روانه گرت و رت. روا هم داستونه سی زینه و بچونش تهریف کرد. ده او روز وه بهد گرگ هر رو یه بره چاق و چله ده گله می دزی و می آرد یونه روا، می ده و می رت و می پرسی ده کار پوستان که چنی منه؟

روا هم می گت:

چی مننه ده کار پوستان / تی ریز و بالا هر دو عروسین

تا ای که چهلی رو گذشت، روز چهلم تاته روا وه زن و بچونش گت:



واده‌مو وا گرگ ایمرؤ تموم موه باید نشقمئ هنی بکشیم تا ده شرش خلاص بویم. روا سلیئ آماده کرد و دا وه دس بچونش، گت رویت ده نک ماهور برفه‌چال تیه وه ره بویت. خوش هم ده یونه منتظر گرگ که من. گرگ رُز چه‌لیم اما در یونه روا و پرسی: تاته پُستین که آماده بیه؟ روا گت: حقا که شما گرگ یا چنی بی صبر و طاقتیت. پُستین حاضره، رویمو تا تی ماهور برفه‌چال تقدیمت بکم. رتن و رتن تا نزدیک یا برفه چال که رسن، گرگ ده پُستین پُرسی. روا زرده‌خنئی کرد و گت: برارزا حتمن دونی که پُستین ده ور کرده رسم و رسماتی داره؟ گرگ گت: تاته چه رسم و رسمیی داره؟ روا گت: ایسه سیت مؤم. ری وه بچونش کرد و گت سلیئ سیم بیاریت. روا سلین تی گرگ ون و گت: برارزا رسمه که نها هی که پُستین نو ده ور بکی باید رؤیی ده مین سلیه و چشیتن تا مه نگوتم وا نکی. گرگ وه فرماشت روا چشم بسته رت مین سلیه، روا و بچو در سلین بسن و سلینه نک بلنگی که بردن که ده هار او که چوپون و گلیه بین که گرگ بره دشو می‌دزی، چوپون یا که ده دس گرگ امانی وه ایژ وه خینش تشنه بین.. روا و بچونش سلین ده بلنگی ری وه هار هل دن و قارنن که: گرگ ها ده سلیه، سلیه ها ده گلیه.

### :: کرسی اجباری

در درس پیشین دیدم بیشتر حرکات پایان کلمه (به جز کسره اضافه و ضمه فارسی) روی کرسی نوشته می‌شوند، توجه داشته باشیم گاهی کرسی از کلمه غیر قابل جدایی است، یعنی با جدا شدن کرسی کلمه معنی خود را از دست می‌دهد به این کلمات «کرسی اجباری» گفته می‌شود، تصور کنید کرسی از کلماتی مانند: روله، گرده، پینه، مالگه، چوناکه (چونکه، زیرا) و.. حذف شود، آیا هنوز معنای قبلی خود یا معنایی نزدیک بدان را می‌رسانند؟ (رول، گرد، پین، مالگ، چوناک!؟)

خاصیت کلمات «کرسی اجباری» این است که هرگاه ضمیرملکی، علامت نکره یا هر پسوند دیگری بدانها افزوده شود کرسی آنها هرگز تغییر شکل نمی‌دهد و پسوندها جدا نوشته می‌شوند: روله‌م، مالگه‌شو، سینت

### :: فتحه و «آ» اسنادی (ربطی، معادل «است» فارسی):

فتحه اسنادی: یه سالمه (این سالم است)، دگو وازه (مغازه باز است)، شو تاریکه آ اسنادی: اگر کلمه ای که قرار است در پایان آن فتحه اسنادی (یه سالمه) بیاید کلمه «کرسی اجباری» باشد به جای فتحه از «آ» استفاده می‌شود: یه آماده‌آ (این آماده است)، یه بو پینه‌آ (این بوی پونه است)

← در بیت زیر کلمات کرسی اجباری را مشخص کنید (دو مورد وجود دارد):  
« هناسه سرد گوم ایل ها ده سینت اؤر      چنؤ دم سرد و سرگردو می زنی آسمونه دؤر

← در بیت زیر کدام کلمه کرسی اجباری است و فتحه اسنادی روی کدام کلمات است (دو مورد):  
« دایه دایه وخت جنگه      وخت دوسی وا تفنگه

### :: کرسی در وسط کلمه

کرسی در وسط کلمه به شکل (ه) نگاشته می شود: سهر (سرخ)، مهر (مهر)، مهر (مهر و محبت)، تهل (تلخ)، شهجو (بخشنده)، مهلم (معلم)، مهندس و.. حرکتی که روی کرسی درج می شود طولانی تر و غلیظتر از حرکت معمولی تلفظ می شود.

حرکت تنها: بر (بر خانه و ملک)، بد (متضاد خوب)، شر (متضاد خیر)

حرکت روی کرسی: بهر (سهم، بهره)، بهد (بعد)، شهر (شهر)

## یوسف مؤه وزیر مصر

اوسه فرعو وه یوسف گت: «مه تهنه سی حکومت وه ری کلی مصر انتخاؤ می کم» فرعو مهبر حکومتی نه ده کلیکش دراورد و نیا ده کلیک یوسف. قوايا گتونی نه کرد ده ور یوسف و گردون طلای ون ده ملیش. فرعو یوسف نه وه عنوان شخص دوهم مملکت سوار عراؤه کرد، آیم باش وه نه عراؤه می رتن و جار می زن «زونی بزنیث» ای طوری فرعو یوسف نه نیا وه حکومت کلی ولات مصر.

یوسف وختی وه خدمت فرعو، پاتشا مصر، دراما سی سالش بی. او ده مهضر فرعو رت و وه کلی ولات مصر سفر کرد. ده مین هف سال فراؤونی، زمی مهصول بسیار ده. یوسف، کلی مهصولی که ده هف سال فراؤونی ده ولات مصر تولید بی نه جم کرد و مین شهر امار کرد. او مهصولی که ده زمین یا دؤر حوالی هر شهر تولید می یه ده او شهر امار کرد. یوسف مقدار بسیاری مهصول جم کرد. ای مهصول چی ماسهیا دریا بسیار بی. مهصول بی اندازه زیاد بی، چنو که حساؤش ده دس یوسف رت.

نه اوماین سال یا قهطی، اسنات دختر فوطی فارع، دوتا گر سی یوسف زایی. یوسف نوم نه زاش نیا منسی (یهنی): ده ویر برده) او گت: «ای نومنه وه ای دلیل نیامه سر بچه که خداوند کاری کرده تا مه دلغشیا و خانواده باؤه مه ده ویر بؤرم»، او نوم کر دوهمی نه نیا افرایم. او گت: «ای نومنه وه ای دلیل نیامه سر بچه که خداوند کاری کرد تا ده ولاتی که عذاؤ بسیار دش کشیم، پر ثمر بایم»

### :: نزدیک نویسی

برخی پیشوندها و پسوندها در خط لور «نزدیک نویسی» می شوند، یعنی بدون اینکه به کلمه اصلی متصل شوند تعلق خود را بدان نشان می دهند، در حروفچینی مدرن فارسی نیز چنین چیزی وجود دارد (مثلا می دهند به جای: می دهند، یا میدهند). در ادامه با برخی پیشوندها و پسوندها در زبان لری آشنا می شویم:

:: **علامت مفعولی:** در زبان لری علامت مفعولی گاهی به سه صورت کاربرد دارد:

کسره: خاک پاشه بؤسم

نون: خاک پاشن بؤسم

کسره و نون: خاک پاشنه بؤسم

هرگاه علامت مفعولی «نون» یا «کسره» باشد حتما نزدیک نویسی می شود (غلط: خاک پاش نه بؤسم)

:: **علامت جمع:** در لری فیلی دو علامت برای جمع بستن واژگان کاربرد بیشتری دارند:

واو زینت: آیْمُو (آدم‌ها)، اسبُو (اسب‌ها)

یا: آیْمِیا، اسبِیا

هرگاه علامت جمع «یا» باشد حتما نزدیک نویسی می‌شود (غلط: آیْمِیا، اسبِیا، آیْمِ یا، اسبِ یا)

:: **علامت معرفه:** علامت اصلی معرفه در لری «کَ» است که البته معمولاً به کرسی ختم می‌شود (کَ) و همیشه نزدیک-

نویسی می‌گردد: آیْمِ کَ، اسبِ کَ، اسبِ گَم (غلط: آیْمِ کَ، آیْمِ کَ) (علامت دیگر معرفه «آ» در آغاز کلمه است، تاکید آ

بیشتر است و می‌تواند معادل همان «فارسی» ترجمه شود، گرگ کَ = آگرگ اُما)

اما علامت نکره «ئ= یای ششدار) متصل می‌شود و نزدیک‌نویسی نمی‌گردد: آیْمِئ (یک آدم)، اسبِئ (یک اسب)

:: **یادآوری قانون کرسی اجباری:** برخی علامت‌ها مثل ضمائر ملکی، نشانه نکره و.. که به کلمه قبلی متصل می‌شوند، پس از

کلمات کرسی اجباری «نزدیک‌نویسی» می‌شوند:

اسبِئ دیم (یک اسب را دیدم)

اسب آماده‌ئ دیم (یک اسب آماده را دیدم، «آماده» کرسی اجباری است)

گلی چیم (یک گل را چیدم)

گل باؤینه‌ئ چیم (یک گل بابونه را چیدم، «باؤینه» کرسی اجباری است)

:: **علامت مضارع:** در برخی گویش‌های لری خرم آبادی، مضارع علامتی ندارد (نویسم = می‌نویسم)، اما در دیگر گویش‌ها

علامت‌های متفاوتی دارد:

مِئ (پرکاربردترین): مِئ‌نویسم، مِئ‌کم

مُه: مِه‌خونم، مِه‌خورم

مِئ: مِئ‌ینم

← در ابیات زیر موارد نزدیک‌نویسی را مشخص کنید و علت آن را توضیح دهید.

« دؤس یا کم بار کرنه کس نی وه جاشو      حا رؤم زار بزئم ده مالگه‌یاشو (سه مورد)

« چی درخت سر که شو نمی کم خاؤ      باد غم شکم مِئ‌یه تا لیسک افتاؤ (دو مورد)

« صه سحر ده شوؤق ته خرؤس مه‌خونه      ائل وبار وا مِئیل مالگت ائل مِئ‌رونه (سه مورد)

## دایه دایه

زین و بلگم بونیت و مادئونم  
خورمه بؤرئتو سی حالئونم  
دایه دایه وخت چنگه  
قطارکه بالا سرم پرش ده شنگه  
ده قلا کرده وه در شمشیر وه دسش  
چی طلا برق می نه یقوم اسبش  
گر سل اسپه بکش خینم حرومت  
تا قیامت می مونه ای ننگ وه نومت  
برارونم خیلین هزار هزارن  
سی تقاص خین مه سر ور می یارن  
دایه دایه وخت چنگه  
وخت دوسی وا تفنگه  
نال نال برنویا چنی قشنگه  
سنگریانه برمنیت لشم در آریت  
بؤرئتم سی دلکمه بونگمه ورا ریت  
نازی ای ته سی بکو جومه ورت  
در کردن ده قورسو شیر نرت  
قلایانه بگردیت چینه وه چینه  
لش کمه ورداریت کافر نوینه  
کاغذی ره بکنیت وه دخترئونم  
بهده خوم شی نکنن وه دشمنونم

## :: علامت ندا

علامت‌های اصلی ندا در لری «ای» و «هی» می‌باشد، دقت داشته باشید که در هر دو مورد «ی» ششدار کسره‌دار است، علامت ندا در لری هم در پیش و هم در پس واژه می‌آید، هرگاه علامت ندا در پس واژه بیاید نزدیک‌نویسی می‌شود:

ای دُوس = دُوسِ ای = ای دُوسِ ای

← در ابیات زیر موارد نزدیک‌نویسی را مشخص کنید و علت هر یک را توضیح دهید.

« بئیل ده سایه مرژنگ‌یات انوس بیارم ای دُوسِ ای دو سه شوه سیت خاؤ بیارم (دو مورد)

« مه او غم سرؤنه که مردم می‌حنن سر قُورسُون یا کردمَش وه بیئی که ده رُوز شادیی بحُونن جون یا (سه مورد)

## انواع نون:

**الف) نون مفعولی:** در درس‌های پیشین آشنا شدیم: تنه می‌نویسم

**ب) نون اضافه:** چیزی شبیه نون وقایه در زبان عربی است: «تَن دُونا» دانا صفت تو است

هرگاه کلماتی که به ضمه فارسی ختم می‌شوند صفت یا مضاف‌الیه بگیرند علاوه بر کسره اضافه، نون اضافه نیز می‌-

گیرند، نون اضافه برعکس نون مفعولی که «نزدیک‌نویسی» می‌شود به کلمه متصل است:

یرسو+ ایما ← یرسُون ایما

میڈو+ واز = میڈُون واز

نُو+ دُو = نُون دُو

مورد دیگری از کاربرد نون اضافه هنگام صرف ضمائر من، تو، او و.. با فعل (است) می‌باشد:

منم، تَنی، اُونه، ایمانیم، شمائیْت، اُونون

← در ابیات زیر نون اضافه را مشخص کنید:

« ایمرؤ بری برؤن من و لیله مه می‌حام سیر بینمش اسر نمی‌یه

« کاغذی ره بکنیت وه دخترؤنم بهد خوم شی نکنن وه دشمنونم

« ای دل‌ای سی دهیلرؤ هی می‌زنی زار یه تَن و یه دهیلرؤ یه دیدن یار

**رفتار خاص ضمیر «ت» در پایان واژه‌ها:** معمولاً بهتر است قبل از ضمیر «ت» در پایان کلمه کسره اضافه ذکر شود تا

با توجه به پیش ذهنیت فارسی خوانندگان اشکالی پیش نیاید: دُوسِ ت (دوست تو)، مالت (مال تو)، ماسِ ت (ماست تو)

## سوره شمس

نوم خداکه شهجون و دلنرم

قسم وه افتاؤ و وه لیسگش «1» وه مونگ که ها ده تَرش «2» وه رُوز که ولاتنه می‌گیسونه «3» وه شو وختی که ولاتنه مؤره ده کرنزلی «4» وه آسمو و وه که وا راسش کرد «5» وه زمی و وه که ولش کرد «6» قسم وه نفس و وه که رنگین دَرشش کرد «7» خیر و شرنه ون ده دلش «8» هر کس خوشه پالن کرد رسگار موه «9» وه هم که خوشه ناپاک کرد ضرَد کرد «10» ایل ثمود ده تر یاغی گری گتن [خدا] دروه «11» اوسه که بدبخت‌ترین شو ورئسا «12» پیغمبر وه شو گت یه شتر خداه سیراؤش کنیت «13» گتن دروه و شترنه کشتن، خدا هم سی گناشو خوشون و ولات‌شونه نابود کرد «14» ده عاقوتش هم زلش نرت «15»

«خدا گپ و بالاسر هی وه راسه»

## آزمون پایانی

کسانی که محتویات این کتابچه را به دقت مطالعه کرده‌اند و فرا گرفته‌اند با استفاده از امکانات موجود در بخش لری سایت لور (Loor.ir) لری را با خط لور حرفچینی کنند، با پاسخگویی به پرسش‌های زیر و ارسال آن به نشانی ایمیل نشریه **کتابچه سطح پیشرفته** «آموزش نگارش گویش لری خرم آبادی به خط لور» را دریافت خواهند کرد، کتابچه سطح پیشرفته علاوه بر گسترش بیشتر و دقیق‌تر کتابچه فعلی (سطح مقدماتی) اطلاعات مفصل‌تری از دستور زبان و نکات زبان‌شناختی دیگر در حوزه زبان‌های لری را تقدیم خواهد کرد.

- 1- «که» ده جمله «نوم خداکه شه‌جُون و دلنرم» چکاره‌آ؟
- 2- ده بیئت: (دورش بگردم بونم/ چی پروانه دؤر فانوس) بونم مخفف کومی کلیمه‌آ؟
- 3- ده بیئت: (زین و بلگم بونیت و مادئونم/ خورم بؤریتو سی حالوونم) «وو» مخفف کومی کلیمه‌باه؟
- 4- کومی کسره غلط نوشته بیه؟ «دسه مه بیر تا بکه گل»
- 5- کجان ای بیئت قانون نزدیک‌نویسی رعایت نویه؟  
صد درخت بی ثمر ها ده مگونم      مه درختین می‌حام ریشش ده جونم
- 6- غلط املائی ای جمله کجانسه؟ دشمنه حونت خراؤ کشتی جوونم
- 7- ای بیئت و خط لیور بازنویسی کنیئت:  
ای دوس یادت وه خیر هر جا که هیسی / باد دورو بزنت و تندرسی
- 8- ای بیئت و خط لیور بازنویسی کنیئت:  
حالوه گنم خره مر گنم گرونه / نرخ بوس دختره نرخ زعفرونه
- 9- ای بیئت و خط لیور بازنویسی کنیئت:  
روزگاره چونکه تلی زیتری رو / کشته برف نساو و صاعقه شو
- 10- ای بیئت و خط لیور بازنویسی کنیئت:  
کم بو دیره کم بو دیره هنی هم مه جوونم / مه میتونم که یه عمری هنی و تو بمونم

1	زبان لکی، زبان ایلامی (ملکی - ملکشاهی)، زبان کلری (کلهری) و..	گروه‌بندی سه‌گانه زبان‌های مردم آرتبار (صرفاً با معیارهای زبان‌شناختی)
2	زبان لری خرم‌آبادی و بالاگریوه‌ای، ثلاثی (بروجردی، ملایری و..)	
3	زبان لری بختیاری، کهگیلویه‌ای، ممسنی و..	

لر فیلی: در استان‌های کنونی لرستان، ایلام، کرمانشاه، همدان و.. در استان‌های شرقی عراق (دیالی، واسط و میسان)	گروه‌بندی دو گانه مردم و سرزمین‌های لرنشین (با معیارهای فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و..)
لر بزرگ: در استان‌های چهارمحال و بختیاری، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، اصفهان، لرستان، فارس، بوشهر و..	



